

”

روند واگذاری
کار به دلباختگان
تکنوکراسی که
آوینی بعدها
از آنها با تعبیر
تجدید نظر
طلب یاد کرد،
از طرف عده‌ای
از انقلابیونی
پشیمانی آغاز شد
که از آرمانهای
انقلاب خسته
شده‌اند و دیگر
به دنبال انقلاب
اداری شهید
بهشتی یا نفی
شدید بروکراسی
که در قانون
اساسی جمهوری
اسلامی ذکر شده
و حتی آرمان‌های
انقلابی مثل
مردم‌سالاری
نیستند و تسلیم
قواعد عقلانیت
بوروکراتیک عمل
می‌کنند

محمد جواد ایروانی وزیر اقتصاد ایران در سال‌های جنگ ص ۸۰)
موضع عزت‌الله سبحانی - رئیس سازمان برنامه و بودجه در دولت
بزرگان- هم نزدیک به همین بود.

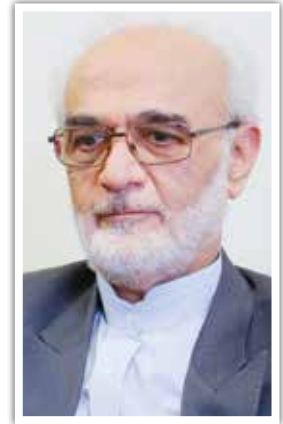
انجمن‌های اسلامی موی دماغ وزرا بودند. (همان ص ۸۳)
مسئله فقط حذف یا ادغام نهادهای انقلابی نیست. کنش‌های
مردمی هم تحت تأثیر قرار می‌گیرند. گروه کارگری‌الله اکبر را به خاطر
دارید! سرنوشتش به اینجا ختم می‌شود.

هر دو سه سال یکبار صنایع ملی، مدیر را عوض می‌کرد می‌دید این
مدیر اینجا موفق بوده یک کارخانه بزرگتر می‌برد. حالا مدیر عوض
شده نه آن شیوهایی که ما کار می‌کردیم را... نه آن گروه کارگری‌الله
اکبر را قبول دارد و نه شورار و نه این سیستم را قبول دارد و می‌گوید
من از موضع بالا و از موضع قدرت می‌خواهم کار کنم و یکی دو نفر
دیگر را هم به عنوان مدیر اداری از خارج از کارخانه آورد.

اعضای این گروه هم تقریباً از کارخانه می‌روند و در پشتیبانی جبهه
وارد عرصه جدید کار جهادی می‌شوند.

در این سال‌ها تحت تأثیر رویکرد جدید جریان تکنوکرات که
در مجلس و دولت جای گرفته، عملاً نظم امام و امت که در آن
مردم بدنه اداره کننده جامعه را تشکیل می‌دادند، دوباره به نظم
بوروکراتیک دولت ملت باز می‌گردند که ملت در آن شهروند هستند
و دولت جامعه را اداره می‌کند. این‌گونه مردم عملاً از سالار بودن
کنار می‌روند تا تکنوکرات‌ها و بوروکرات‌ها جایگزین آنها شوند.

تفاوت در نتیجه هم واضح است. وقتی یک طیف یا یک طبقه عملاً
جامعه را اداره می‌کند، به صورت طبیعی، منافع آن طیف بیشتر
مراعات می‌شود و بقیه تحت الشعاع قرار می‌گیرند. کدام طیف
مهم نیست. از نگاه امام حتی اگر این طیف مجتهدین باشند، ضد
حرکت اهداف انبیا است. در جمهوری اسلامی که امام می‌گفت
مردم به حدی نقش داشتند که تصمیم پانصد نفر مجتهد بدون
حضور مردم در صحنه، سکولاریسمی بدتر و خطرناک‌تر از تصویر
اولیه سکولاریسم - یعنی جدایی دین از سیاست - بود.



آنها با تعبیر تجدید نظر طلب یاد
کرد، از طرف عده‌ای از انقلابیونی
پشیمانی آغاز شد که از آرمان‌های
انقلاب خسته شده‌اند و دیگر به
دنبال انقلاب اداری شهید بهشتی
یا نفی شدید بوروکراسی که در
قانون اساسی جمهوری اسلامی
ذکر شده و حتی آرمان‌های انقلابی
مثل مردم‌سالاری نیستند و تسلیم
قواعد عقلانیت بوروکراتیک عمل
می‌کنند. دنباله این نگاه هم
می‌شود پایان جنگ، دنبال تعامل
با دنیا رفتن و شاید بتوان گفت
نرمش در برابر نظم نوین جهانی!

روی کار آمدن دلباختگان تکنوکراسی

این روند ادامه دارد. هر جارد پایی از
ورود نظم مردم سالار است توسط
بوروکرات‌ها هدف قرار می‌گیرد.
محمد جواد ایروانی وزیر اقتصاد
ایران از ۶۴ تا ۶۸ در گفت‌وگوهایش
یکی از زمینه‌های اختلاف با
آقای نوربخش را همین فعالیت
انجمن‌های اسلامی بانک‌های
کشور می‌داند.

آن موقع لیبرال‌هایی که در قدرت
بودند اصرار داشتند به جامعه
القا کنند که اعضای انجمن‌های
اسلامی، بی‌سواد هستند. (خاطرات

